



بار خدای
کتابچه
جمع و خراج
کفایت
ظل استغاثه
اخوزستان
و بختیاری
ق ۱۳۰۳

شکوه‌نامه‌ای در مطالبات و شکایات

تمهید

اسناد بیشماری از عهد قاجار به گزارش های مالی، احصائیه ها و دخل و خرج های مالیاتی اختصاص دارند. همگی و یا اکثرشان با خط سیاق تنظیم و نگاشته شده اند. (۷) همین موضوع ما را با این واقعیت روبه رو ساخته است؛ تازمانی که این اسناد بازخوانی و سپس تحلیل نشوند، خیلی نمی توان امیدوار بود که تاریخ دوره قاجار و یا حداقل اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن روزگار را بطور کامل و منطقی درک کرد و حقایق تاریخی را آنچنان که باید دریافت.

مساله اخذ مالیات و بریز و پیاشهای درباریان و حاکمان قاجار از آن دسته مسائلی است که نیاز به پژوهش های عمیق و روشمند دارد. برای رسیدن به یک نقطه نظر مشترک علمی و تاریخی در مورد حوادث و رویدادهای آن روزگار، می بایست استنساخ اسنادی که با ارقام سیاق محاسبه شده اند و قضایای اقتصادی و سرشماریهای اجتماعی و فرهنگی عهد قاجار را در بردارند؛ در قالب مقاله و کتاب، در دستور کار قرار گیرد. چه بسا این اسناد پس از بازخوانی و پردازش بوسیله مورخان و پژوهشگران اسنادی، به مرور و بطور عملی، این فرضیه تاریخی را اثبات نماید که «یکی از عوامل مهم عقب ماندگی کشور در عهد قاجار خرج تراشی های دربار و اخذ مالیاتهای بی رویه و بی حساب و کتاب حکمرانان اقصی نقاط ایران بوده است. (۳) چنانچه میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار اعظم) در زمانی که سفیر ایران در استانبول بوده، طی نامه ای (در سال ۱۲۸۶ ق. که به میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه وقت می نویسد:

حکام ایران را بدین قسم معرفی می کند:

«حکام و ولات ما که مامور می شوند اول در صدد خرج تراشی به جهت دولت و بعد طلب خواستن تخفیف است اینکه حساب دولت بیاورند و دیناری به رعیت ندهند چنانچه در موقع متعدد و مبلغ های گزاف مشهود شده است و یادگاری از ایام حکومت خود می گذارند ظلم است و تعدی و جریمه گزاف و تخریب مملکت و خانه خرابی رعیت ندهند. پادشاه و تحصیل تحول شخصی به جهت خودشان اگر به هر یک از ما به قدر حصه خودمان معنی وطن داری را فهمیده بودیم ادای تکلیف از خود نموده بودیم حالاً وضع درست و ملت ما رنگ دیگری داشت و باز اولیای دولت علیه به مراتب سبک تر» (۴)

اسناد و شواهد موجود نشان می دهد که مهم ترین عاملی که باعث می شد مردم ایران و بخصوص جامعه ایلات و طوایف به کارگران دولت در تماس باشند وصول مالیات و ظلم و ستمی بود که در این راه بر افراد و طبقات مختلف روا می رفت.

از این رو عبدالله مستوفی در کتاب خود (شرح زندگانی من) وضعیت مالیات گیری را در عصر قاجار و ناصرالدین شاه چنین بیان می کند:

«بزرگترین تماس افراد با عمال دولت در وصول مالیات و تعدی هم که به آنها وارد می آمد از این راه بود. اگر چه ممیزیهایی که در زمان امیرنظام (۵) به عمل آمده و مالیات ها را مشخص نموده و طرز بنیچه (۶) (جمع و خرج حرف) که در تمام کشور معمول شده بود باید حدود مامورین مالیات را معین کرده و افراد را از اجحاف محصلین مصون نموده باشد ولی حرص و طمع حکام که از

نائب الحکومه ها تفاوت عمل یعنی اضافه بر مالیات می خواستند و آنها هم تاگزیر بودند بر بلوک باشی (۷) و آنها هم بر کدخدایان دهات تحمیل بیشتری بکنند، ممیزی را از عمل انداخته و به جای نظم و ترتیب، اجحاف و تعدی حکمفرما بود. بنابراین مالیاتی که رعیت می پرداخت شاید دو برابر چیزی بود که برای یک ده در جزو جمع تشخیص شده بود. البته در هر ده هم اشخاصی که هوش و شعور و کفایت و درایتی دلرند و منتفد هستند مالیات می شوند اینها از قبول این تعدی استکفاف و باز باری دست و پاها سنگین تر می شد» (۸)

به هر حال در میان اسناد نویافته با سندی روبه رو شدیم موسوم به «کتابچه جمع و خرج ولایات خوزستان و بختیاری» که در سال ۱۳۰۳ ق. همزمان با حکمرانی شاهزاده مسعود میرزا ظل السلطان به رشته تحریر درآمده است. این کتابچه در ۸ برگ (یا صفحه) و بجز اسامی افراد و ولایات بطور کامل با خط سیاق نوشته شده است. سبب نامت سند، مهر چهارگوش کلاهک دار است از ناصرالدین شاه که سجع آن در آغاز همین کتابچه، بازخوانی می شود. (۹)

در انتها و پایان هر برگ از اسناد این کتابچه مهر میرزا یوسف خان مستوفی الممالک صدر اعظم معروف مهور و حک شده است. تاریخ دقیق این سند مربوط است به ماه محرم الحرام سال ۱۳۰۳ ق. یعنی در سنت حدود



۶ ماه قبل از اینکه میرزا یوسف خان (در پنجمین سوم رجب ۱۳۰۳ ق.) به درود حیات بگوید. (۱۰)

میرزا یوسف فرزند میرزا حسن خان مستوفی الممالک آشتیانی و پدر میرزا حسن خان مستوفی الممالک است؛ (۱۱) که پس از مرگ میرزا حسن خان سپهسالار که در سال ۱۲۹۸ ق. رخ داد؛ (۱۲) صدراعظم مطلق ایران شده، بدین سان که مطابق گذشته کلیه امور ولایات جنوبی و مرکزی و غربی و سایر نقاط ایران با نظم دفتر استیفا و محاسبات و سرو سامان دادن عمارات دولتی و امور خزانه و غیره به عهده میرزا یوسف مستوفی الممالک بوده است و هر سند و گزارشی که مهر تایید او را داشت در مصونیت و اعتبار کامل بسر می برد. (۱۳)

گفتنی است که هنوز بر نگارنده معلوم و مشخص نیست که کتابچه مزبور تعداد صفحات و برگهایش بیش از این است و یا در همین ۸ برگگی که در اختیار اوست خلاصه می شود. هر چه که باشد این سند (هشت) برگگی، علاوه بر اینکه با هم ارتباط تنگاتنگ دارند، از نظر محتوا نیز استقلال خاص خود را دارد و بطور مجزای می توان آن را پردازش کرد. (۱۴)

مطلب دیگر اینکه: اوایل سند با رقم های درشت آغاز می شود که مربوط به اخذ مالیات های شهرها و ولایات است ولی از بخش های میانی تا پایان سند کم کم با رقم های مالیاتی کمتری رویه روی می شویم که بوسیله حکومت ظل السلطان از محل افراد مختلف دریافت شده است. در این کتابچه خواهیم خوانند که: «حضرت مستطاب والا ظل السلطان از بابت حق الحکومه ۳۵۹۲ تومان و ۳۰۰ دینار (پس از کسر) ۸۱۸ تومان و ۳۸۰۰ دینار رسوم است». (۱۵)

نگاهی گذرا به زندگانی ظل السلطان

مسعود میرزا شاهزاده ای بود تنومند و کوتاه قد و سیاه چرده ابروانی پر پشت و بینی عقابی و صورتی گوشه خالی و چشمانی درشت داشت و چشم چپش لوج بود. ولی روی هم رفته مانند اکثر شاهزادگان قاجار بدقیافه نبود. (۱۶)

وی پس از چهار پسر که به دلیل مرگ زودرس از دنیا رفته بودند، بزرگترین فرزند ناصرالدین شاه بود. (۱۷) او در روز بیستم ماه صفر سال ۱۲۶۶ ق. و به گفته خودش روز شنبه طلوع آفتاب متولد شد. (۱۸) و با اینکه سه سال از ولیعهد مظفرالدین شاه بزرگتر بود، چون مادرش حفت السلطنه، شاهزاده و زن عقده ای شاه نبود به ولایتعهدی نرسید. (۱۹)

مسعود میرزا در همان سنین کودکی (۱۲۷۷ ق.) به لقب یمین الدوله ملقب و در همین سال در سن یازده دوازده سالگی به حکومت مازندران، استرآباد، دشت گرگان، سمنان و دامغان منصوب گردید. (۲۰) پس از آن از سال ۱۲۷۹ ق. به ترتیب به حکومت فارس و اصفهان و تا سال ۱۳۰۵ ق. حاکم چهارده ایالت و ولایت جنوب غربی و غرب ایران بوده است. چنانچه درباره او گفته اند: «از لحاظ بصیرت به اوضاع و احوال جهان مترقی و حسن تدبیر و آشنایی به امور داخلی و خارجی با هیچ یک از برادران و اکفای و اقران خود قابل مقایسه نیست و به هیچ یک از فرق مختلف از قبیل شیخی و بابی و بهائی و صوفی و غیر متمایل نبوده است؛ در صورتی که مظفرالدین شاه برعکس به پاره ای اوهام و خرافات اعتقاد داشته است. (۲۱)

او در سال ۱۲۸۶ ق. که در فارس به پیشکاری حاج محمود قلی خان آصف الدوله برگزیده شده بود، به لقب ظل السلطان ملقب و مفتخر گردید. (۲۲) از آن پس ظل السلطان چندین بار حاکم فارس شد تا اینکه در سال ۱۲۹۱ ق. شاه او را به حکومت اصفهان برگزید و روانه نمود. ظل السلطان از همان سال تا اوایل مشروطیت به مدت ۳۴ سال حاکم مطلق و مسلط بر همه چیز اهالی اصفهان بود و هر چه دلش می خواست در آن جا انجام می داد. (۲۳) و در مدت ده سالی که (از ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۵ ق.) حاکم ایالات چهارده گانه ایران بود؛ همواره در اصفهان اقامت داشت و مرکز حکمرانی او در آن جا بود. در این مدت دست تعدی و تجاوز به مال و جان اشخاص دراز کرده بود و املاک فراوانی از مردم که پشت و پناهی نداشتند غصب و تصرف می نمود. (۲۴)

نقل است در سال ۱۲۹۷ ق. وقتی خیر حکومت سلطان مسعود میرزا را بر لرستان و خوزستان در شهر خرم آباد منتشر ساختند، چنان رغبت و ترسی در دل خوانین و رؤسا افکنده که بر جان و مال خود اندیشناک شدند، حق هم داشتند زیرا پس از مدت زمان کوتاهی پنج تن از سران طوایف لرستان با بیرحمی هر چه تمامتر به دستور او به دار آویخته شدند. (۲۵) خلاصه شوکت و جلال و اقتدار ظل السلطان بر مناطق وسیعی از کشور چنان وسعت یافته بود که احتشام السلطنه (حاجی میرزا محمودخان ذکوی علامیر) در خاطرات خود می نویسد:

«حکومت نصف ایران، با این شاهزاده بود، از بنادر جنوب و یزد و فارس و عربستان (خوزستان) گرفته تا لرستان و بروجرد و اصفهان و گلپایگان و خوانسار سرپرستی ایالات بختیاری و قشقایی و ممسنی و الوار و اکراد و غیره تحت فرمان او بودند و در آن مناطق فعال مایشاء و مختار مطلق بود سپاه مخصوصی از سواره و پیاده با لباس مشخص و سلاح های جدید تشکیل داده بود و همچنین یکدسته گارد شخصی سواره که افراد آن عموماً غلامان سیاه و فرمانده ایشان با «غریب خان سیاه» بود اینجا کرده بود که تماماً غرق در اسلحه و با زین و بزاق و زیور طلا و لباسهای بسیار شیک و تمیز. همه وقت در رکاب خود شاهزاده حرکت می کردند. ادارات و مناطق تحت فرمان شاهزاده منظم و مستقل بود و روز بروز بر اعتبار و اقتدار او افزوده و از قدرت مرکز کاسته می شد و ترتیبات حکومتی و استیلائی نفوذ او، کم کم اسباب بعضی حرفها و حدسیات شده بود...» (۲۶)

اصولاً ظل السلطان عادتاً در اکثر ولایاتی که حوزه حکومتی او بود؛ فوج نظامی تشکیل می داد، بدین منظور که سواره نظام، در ایجاد امنیت او وصول مالیات از او فرمان برند. برای تایید مطلب سندی در دست داریم که نشان می دهد در سال ۱۳۰۴ ق. در لرستان قشون جدیدی ایا شکل و شمایل متفاوت نسبت به قبل انظم و ترتیب می یابد و سیدعزیزخان پسر دوم میرزا سیدرضا تفرشی نایب الحکومه و مستوفی حکومت بروجرد و لرستان را به سرکردگی سواره جدید لرستان منصوب و مفتخر می نماید. و مبلغ یکصد تومان مواجب برای منصب سرکردگی سوار لرستان به او پرداخت می گردد. (۲۷)

وصف شکوه و اقتدار ظل السلطان باعث شد که شاه، واگنرخان صاحب منصب اطریشی را که در خدمت قشون ایران بود به تفتیش

بفرستد، وی پس از بازدید از افواج خصوصی (گاردهای مخصوص) ظل السلطان به ناصرالدین شاه گفته بود هر یک از فوج‌های پسر شما با یک فوج سرباز آلمانی برابر است. شاه از این موضوع اندیشناک شد، در نتیجه ظل السلطان که معمولاً همه ساله به تهران می‌آمد، این توبیت در روزی که شاه را دعوت کرده بود و پیشکش لایق تدارک دیده بود، در موقعی که برای مراجعت، شاه سوار کالسکه می‌شد، امین السلطان (علی اصغر خان اتابک اعظم) برگشت و عزل ظل السلطان را از ولایات جنوب بدو ابلاغ کرد. (۲۸)

اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های روزانه خود راجع به عزل ظل السلطان این چنین می‌نویسد:

«جمعه ۱۱ جمادی الثانیه ۱۳۰۵ ... سبحان الله کی تصور می‌کرد جلالت و شوکت ظل السلطان به آن واحد هیأاً متثور خواهد شد. دیروز از حکومت که عبارت بود از فارس، بروجرد، عراق (اراک)، عربستان (خوزستان)، لرستان، کرمانشاه، کردستان، محلات، گلپایگان، خوانسار، کمره و غیره غیره معزول شدند. همان حکومت اصفهان تنها برای شاهزاده ماند قشون و اسلحه هر چه بود ضبط شد فی الواقع خانه نشینی و مقیم تهران خواهند بود معلوم نیست. چطور شد برای چه این کار واقع شد در هر صورت شاه اثبات قدرت فرمودند»..... (۲۹)

... بدین ترتیب ظل السلطان در سالهای پایان حکومت مظفری فقط حاکم اصفهان بود، (۳۰) تا اینکه پس از اعلان مشروطیت و در سال ۱۳۲۴ ق. که محمدشاه به سلطنت رسیده بود برای عرض تهنیت جلوس، به تهران آمد. مردم اصفهان در غیاب او تعطیل عمومی و اجتماع کردند و عزل او را جداً از مرکز خواستار شدند. کسروی در تاریخ مشروطه ایران در این باره می‌نویسد:

«..... ظل السلطان که از زمان ناصرالدین شاه فرمانروای اسپهان (اصفهان) و آن پیرامونها بوده و در آن جاها سراها ساخته و دبه‌ها خریده و ریشه سختی دوانیده بود به انگیزش آقا نجفی و دیگران، اسپهانیان برو شوریده و برداشتن وی را می‌خواستند و چون از تهران درخواست آنان پذیرفته نمی‌شد بازارها را بسته و پافشاری بسیار می‌نمودند مجلس هم چون برافتادن این گونه فرمانروایان ریشه‌دار را به سود مشروطه می‌دید همراهی با ایشان می‌نمود و در نتیجه ظل السلطان از آن جا برداشته شد. (۳۱)

فریدالملک همدانی نیز درباره عزل ظل السلطان می‌نویسد:

«..... به منزل حضرت سردار اکرم [عبدالله خان امیر نظام همدانی] رفتیم در مراجعت گماشته یکی از دوستان اظهار داشت حضرت والا شاهزاده ظل السلطان از حکومت اصفهان معزول و حضرت نظام السلطنه (حسین قلی خان) به جای ایشان منصوب شدند. این اوقات اهالی آن سامان به دارالخلافه تظلم کرده و عزل شاهزاده را مستدعی شده بودند»..... (۳۲)

پس از آن ظل السلطان با صرف پول بسیار یکبار دیگر به حکومت فارس رسید. (۳۳) ولیکن ماموریتش چندان دوام نیافت و محمدعلی شاه که او را مخالف خود می‌دانست وی را معزول کرد و ظل السلطان به اروپا رفت. (۳۴) کمی پس از عزل محمدعلی شاه و فتح تهران بدست مجاهدین ۱۳۲۷ ق. ناگهان ظل السلطان بی‌خبر از راه بادکوبه به ایران آمد. وی در شعبان سال ۱۳۲۷

ق. وارد انزلی شد. همان دم از طرف حکومت رشت بازداشت شد و سپس به باغ «مدیریه» رشت انتقال یافت. حکومت رشت به او اخطار داده بود که آزادی و اختیار به او داده نمی‌شود مگر اینکه جریمه‌ای برابر یکصد هزار لیره انگلیسی (یانصد و چهل هزار تومان) بپردازد. (۳۵) وی با اینکه کشنده پدر سردار اسعد بختیاری (۳۶) بود به وساطت انگلیسها از قصاص نجات یافت. ولی مبلغ ۳۰۰۰۰۰ تومان از او گرفته و به او اجازه داده شد که به فرنگستان برگردد. (۳۷) در جماد الاولی ۱۳۳۴ ق. بهرام میرزا پسرش که در کشتی انگلیسی «ساسکس Sussex» مسافرت می‌کرد، با حمله آلمانها غرق شد و از این تاریخ بهت و اندوهی جانگزای بر ظل السلطان عارض شد که منجر به حیرانی و جنون او گردید. (۳۸)

وی در اواخر جنگ بین المللی اول به اصفهان مراجعت نمود و در باغ نو. عمارت اختصاصی خود. منزوی گردید. تا اینکه در شب ۲۳ رمضان ۱۳۳۶ ق. درگذشت و جنازه او را در مشهد بردند و در آن جا به خاک سپردند. (۳۹) از او کتابی به نام «سرگذشت مسعودی» عمارتی به نام «مسعودیه» و نیز چندین فرزند (ذکور و اناث) به جای ماندند که اکبر میرزا صارم الدوله از دیگر آنان معروف تر است. (۴۰)

ظل السلطان و وصول مالیات

برخی از مورخین درباره شخصیت روحی و روانی و سیاسی و تاریخی ظل السلطان به یک نقطه نظر مشخص رسیده‌اند که او فردی بی‌رحم و خون‌ریز و طماع، (۴۱) ولی در عین حال وی را حاکمی لایق و باکفایت در برقراری نظم و امنیت می‌دانند. اما یکی از خصوصیات بارزی که شاید در آن روزگار بعنوان یک مشخصه منحصر به فرد برای او فرض می‌شود خراج‌گیری و نظم و نسق و شدتی بوده که در وصول مالیات از مناطق و ساکنین تحت حکمرانش اخذ می‌کرده است.

در حقیقت عاملین وصول مالیات، قشون و افواج متعددی بودند که ظل السلطان در ولایات تحت نفوذش ایجاد کرده بود، و از این راه به خوبی مالیات را دریافت می‌کرد و در این باب هیچ مسامحه نداشت. (۴۲) او خود در این باره نوشته است:

«من در همه چیز هر نوع که باشد تامل دارم الا از بابت مالیات بی‌اختیارم (۴۳) [.....] و اگر یک نفر از [قشون مرا] مرخص کنی این جانب نمی‌توانم یک دینار مالیات وصول کنم». (۴۴)

در نتیجه اینکه چون مالیات قلمرو وسیع ظل السلطان به موقع وصول می‌شد و سهم خزانه دربار بدون تاخیر و به موقع تحویل می‌شد و از طرفی چون راه‌ها را امن نموده بود، و تجارت و کشاورزی و حشمنداری روز به روز در حال ترقی و پیشرفت بود، محبوب دربار واقع شده بود و توجه به حال رعایا و اینکه خوش یا ناخوشند، خیلی مد نظر دربار نبود. (۴۵) از این رو نزد پدر عزت یافت، تا آن جا که هر ولایتی که حکمران آن در اخذ مالیات و ایجاد امنیت از خود کفایت نشان نمی‌داد ولایت و حکومتش را ناصرالدین شاه یک جا ضمیمه حکمرانی ظل السلطان می‌کرد. بنابراین عامل اصلی که باعث شده بود چندین سال مسعود میرزا بر قسمت اعظمی از ایران حکم برآید، قضیه ترتیب و مهارت و سختگیری بود که در اخذ مالیات به کار می‌برد و در این کار اصرار و پای فشاری زیادی از خود نشان می‌داد. تا حدی که قلمرو حکومتی این شاهزاده هر سالی هفتصد هزار لیره نقد و هفتاد و چهار

هزار لیره جنس برای خزانه ایران جمع آوری می کرد. (۴۶)

این مالیات از دویست و پنجاه هزار محل مربع که دویزیم خاک ایران است، بدست می آمد و قسمتی از آن به مصرف سپاهیان ظل السلطان می رسید که عده آنان بالغ بر بیست و یک هزار نفر بوده است. (۴۷)
در سفر سومی که ظل السلطان به حکومت فارس رسید؛ حاج میرزا حسین خاں مشیرالدوله سپهسالار، راجع به ظل السلطان به ناصرالدین شاه چنین می نویسد:

«ماموریت نواب اشرف ارفع شاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان صلاح حال خالیه دولت نیست زیرا از یک طرف به جهت قرب به پایگاه عظمت مظنن است و از جانب دیگر میل مفرطی به جمع آوری پول دارد و ایفا بر مال و غرض احدی نخواهد فرمود. رعیت بی پای می شود و مالیات به خزانه نخواهد رسید تا اینکه شاهزاده را با شرایط و عهود و پیشکار معقول و مسلط بفرستیم و مالیات را از پیشکار بخواهیم و قدری تعدی و اجحاف یا تعرض به ناموس مردم به او صرف نشود. در این صورت به غیر از ظهیرالدوله و یا علاءالدوله (۴۸) عجبالتاً در دوبار همایونی کسی قابل ولایت این کار نیست.» (۴۹)

ناصرالدین شاه در جواب نامه صدراعظم این چنین نوشت:

«جناب صدراعظم در فقره تعیین حکام و پیشکاران ولایات بزرگ و کوچک از قراری که مکرر گفته ام خودم تکلیفی به شما نمی کنم و ابداً اظهار رای نخواهم کرد. هر طور مصلحت مملکت و دولت

متن کتابچه (به خط سیاق)

[سجده مهر ناصرالدین شاه الملک لله تعالی]

«تا که دست ناصرالدین دولت شاهی گرفت ضمیمه داده و معدلت از ماه تاماهی گرفت»

قره باضره خلافت و شهریاری و غزه ماضیه اناضیه اسطنت و تاجداری فرزند اسعد کامکار سلطان مسعود میرزا ظل السلطان حکمران مملکت فارس و دلاسلطنه اصفهان و عربستان و لرستان و ولایات مضافه به عوطف مهر اتصاف پادشاهی مخصوص نموده است که صورت جمع و خرج تخاقوی نیل [مالیاتی ولایت عربستان ابوالجمعی آن فرزند نامدار از قراریست که در ذیل خطاب مستطاب مقربوالخاقان مستوفیان عظام مفصلاً قلمی داشته می باید اسناد خرج دیوانی را در دفترخانه مبارکه تحویل نموده خط سیخ بظلال کشیده برای هنگام ضرورت و رجوع ضبط نمایند و این کتابچه مهیوره به مهر مبارک را مفاصحا حساب خود دانسته ضبط کنند. مقرر آنکه مقربوالخاقان مستوفیان کرام شرح کتابچه مبارکه را ثبت و ضبط نموده حین تحویل گرفتن زیاده خرج دیوان هم و زیاده آن رجوع نموده و در عهده شناسند فی شهر محرم الحرام ۱۳۰۳ ق. ا. هوالله تعالی شانہ

کتابچه: جمع و خرج هذالسنه تخاقوی نیل عربستان و بختیاری ابوابجمعی کارگزاران حضرت مستطاب والا ظل السلطان مفرده: نقد: وصولی: ۱۴۲۲۸۵ تومان و ۹۹۴۰ دینار جنس: غلات: ۱۶۰۰ خروار، کاه: ۸۰۰ خروار، شوشتر است: نقد: وصولی: ۱۳۴۴۳۴ تومان و ۶۴۵۴ دینار. جنس: غلات: ۱۶۰۰ خروار، کاه: ۸۰۰ خروار

از بابت فروعات:

نقد: وصولی: ۴۰۷۳ تومان و ۶۰۴۱ دینار

جنس: غلات: ۵۰ خروار، کاه: ۸۰۰ خروار

[مهر: مستوفی الممالک]

از بابت مالیات

نقد: وصولی: ۹۴۳۶۱ تومان و ۴۱۳ دینار

جنس: غله: ۱۵۵ خروار

رامهرمز:

۷۹۰۱ تومان و ۳۴۷۶ دینار (کسر) ۵۰ تومان در وجه میرزاتقی - (تمه) ۷۸۵۱ تومان و ۳۴۷۶ دینار

دهور و جنجه و مزانج مثنورالدین آقاسیدرحیم ۴۰ تومان وصول

نقد: وصولی: ۱۱۱۵۳ تومان و ۲۹۷ دینار. جنس: غلات: ۱۸۵۱ خروار و ۵۷ من و ۳۰ سیر. کاه: ۴۷۲ خروار و ۹۶ من. التحویل:

نقد: وصولی: ۵۰۴۲۲ تومان و ۶۵۱۳ دینار. جنس: غلات: ۳۳ خروار و ۹۸ من. کاه: ۴۸ خروار

التحویل عمده الامراء العظام محمد حسین خان پیشخدمت خاصه همایونی و رئیس اصطبل توپخانه مبارک از بابت تفاوت عمل توپخانه مبارکه عربستان که قبض کل جزو عراق ضبط شده است.

التحویل خزانه عامره موضوعی از خرج تحویلی اصفهان. وصولی: ۵۰۰۰ تومان

نقد: وصولی: ۴۲ تومان و ۶۵۱۳ دینار. جنس: غلات: ۳۳ خروار و ۹۷ من. کاه: ۴۸ خروار

مصارف دیوانی و مخارج ولایتی: نقد: وصولی: ۶۱۰۰۲ تومان و جنس: غلات: ۱۸۱۷ خروار و ۶۰۵۰ من و ۳۰ سیر ۳۷۸۸ دینار کاه: ۴۳۲ خروار و ۱۶ من.

مصارف: دیوانی، نقد: وصولی: ۵۳۴۹۵ تومان و ۹۴۰۱ دینار. جنس: غلات: ۱۷۹۸ خروار و ۲۳ من و ۳۰ سیر. کاه: ۴۲۲ خروار و ۸۰ من

[مهر: مستوفی الممالک]

[سر مبارک] و غیره: ۲۷۲۴ تومان

حضرت مستطاب والا ظل السلطان از بابت حق الحکومه، ۳۵۹۲ تومان و ۳۰۰ دینار (کسر) ۸۱۸ تومان و ۳۸۰۰ دینار رسوم استند:

رسوم دو عشیر ۷۱۸ تومان و ۴۲۰۰ دینار. (تمه) ۲۷۲۴ صرف تعمیر بنایار خانه های عرض راه: ۱۰۰ تومان. مقرراً آنچه خرج می آید ۱۸۵۰ تومان

۸۷۲ تومان:

محورین دفترخانه مبارکه استیفاء ۵۰ تومان (مقرراً) ۴۰ تومان

معمد السلطان ناظم خلوت از بابت خلعت بهاء از قرار ملفوفه فرمان مبارک و قبض: ۱۲۰۰ تومان (مقرراً) از بابت عربستان ۸۰۰ تومان

جناب وزیر دفاتر مالیات استصوابی ۴۰ تومان (کسر) ۸ تومان رسوم دو عشیر (تمه) از قرار قبض ۳۲ تومان

راه ها:

نقد: ۸۴۰ تومان و ۸۰ دینار. جنس: ۵۰ خروار عالیجاه میرزارضا مستوفی ولایتی است. نقد: ۶۳۸ تومان. جنس: ۵۰ خروار

عالیجاه حاجی ملارضای مشهور مقیم بصره. ۳۰۰ تومان (کسر) ۶۰ تومان رسوم دو عشیر. (تمه) از قرار قبض ۲۴۰ تومان

عالیجاه میرزارضا مستوفی ولایتی. نقد: ۴۸۵ تومان (کسر) ۹۷ تومان رسوم دو عشیر. از قرار قبض نقد: ۳۸۸ تومان. جنس: ۵۰ خروار

[مهر: مستوفی الممالک]

عالیجاه میرزا محمد زکی [است]

۲۰۰ تومان (کسر) ۴۰ تومان رسوم دو عشیر (تمه) از قرار قبض ۱۶۰ تومان عالیجاه آقا طاهر سررشته دار است ۵۲ تومان و ۸۰ دینار

عالیجاه آقا طاهر سررشته دار ۳۳ تومان (کسر) ۶ تومان و ۶ قران آقا علی سررشته دار ۳۳ تومان (کسر) ۶ تومان و ۶ قران رسوم

دو عشریر (تممه) از قرار قبض ۲۶ تومان و ۴ قران

حواله (حوالچه) ۳۰۰۹ تومان و ۸۸۲۰ دینار

عالیجاه شیخ جعفر خان ۱۰۰۰ تومان (کسر) ۲۰۰ تومان
رسوم دو عشریر (تممه) از قرار قبض ۸۰۰ تومان

عالیجاه رضاقلی خان ۵۰۰ تومان (کسر) ۱۰۰ تومان
رسوم دو عشریر (تممه) از قرار قبض ۴۰۰ تومان

ولدان مرحوم جعفرقلی خان ۳۶۷ تومان (کسر) ۷۳ تومان
رسوم دو عشریر، تومه از قرار قبض ۲۹۳ تومان و ۶ قران

اولاد میرزا ابوطالب ۸۰ تومان (کسر) ۲۲ تومان رسوم دو
عشریر، (تممه) از قرار قبض ۴۸ تومان (قبض هم ورثه میرزا
دستور العمل ضبط شد)

سید نعمت الله ۱۰ تومان (کسر) ۲ تومان رسوم دو عشریر،
(تممه) از قرار قبض ۸ تومان

اقاجعفر ولد امسجان ۱۲ تومان (کسر) ۲ تومان و ۵ قران،
رسوم دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۲۰ تومان (قبض هم
ورثه آقا عبدالله ضبط شد)

[در قوی نیل] ۱۰۲۲ تومان و ۸ قران - ۸۸۲ تومان و ۸ قران

میرزا اسدالله خان ۲۷ تومان (کسر) ۵ تومان و ۴ قران،
رسوم دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۲۱ تومان و ۶ قران

ورثه مرحوم علینقی است ۱۰ تومان (کسر) ۲ تومان رسوم
دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۸ تومان

ورثه حاجی رشید خان ۳۰۵ تومان (کسر) ۶۱ تومان رسوم دو
عشریر، (تممه) از قرار قبض ۲۴۴ تومان

اسدالله نیکان ولد امام محمد حسین ۶۰ تومان (کسر) ۱۲ تومان،
رسوم دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۴۸ تومان

آقا علینقی ولد مرحوم حاجی جواد نیکان ۱۰ تومان (کسر) ۲
تومان، رسوم دو عشریر، تومه از قرار قبض ۸ تومان

دو عشریر (تممه) از قرار قبض ۲۶ تومان و ۴ قران

عالیجاه مولی مطلب خان ۵۰۰ تومان (کسر) ۱۰۰ تومان،
(تممه) ۴۰۰ تومان

ورثه مرحوم علی رضاخان ۴۶۶ تومان (کسر) ۹۳ تومان رسوم
دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۳۷۲ تومان و ۸ قران

ولدان مولی عبدالله خان ۲۶۶ تومان (کسر) ۵۳ تومان رسوم
دو عشریر (قران) ۲۰۰۰ دینار]

[مهر: مستوفی الممالک]

سید ابوالفتح خان است ۵۰ تومان (کسر) ۱۰ تومان رسوم
دو عشریر (تممه) از قرار قبض ۴۰ تومان

آقا حبیب الله ولد [عبدالله] تبریزی ۲۲ تومان (کسر) ۲ تومان و ۴
قران، رسوم دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۱۷ تومان و ۶ قران

قائد حسین خان ۳۰ تومان (کسر) ۶ تومان رسوم دو عشریر،
(تممه) از قرار قبض ۲۴ تومان

[در قوی نیل] ۱۰۲۲ تومان و ۸ قران - ۸۸۲ تومان و ۸ قران

میرزا محمد علی و میرزا محمود ۲۰ تومان (کسر) ۴ تومان
رسوم دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۱۶ تومان

آقا سید عبدالرحیم ۱۳۷ تومان (کسر) ۲۷ تومان و ۵ قران،
رسوم دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۱۱۰ تومان

[مهر: مستوفی الممالک]

ورثه محمد تقی خان ۱۴۴ تومان (کسر) ۲۸ تومان و ۸ قران،
رسوم دو عشریر، (تممه) از قرار قبض ۱۱۵ تومان و ۲ قران

ورثه آقا کریم ۴۰ تومان (کسر) ۸ تومان رسوم دو عشریر،
(تممه) از قرار قبض ۳۲ تومان

ورثه آقا فضلعلی ۴۰ تومان (کسر) ۸ تومان رسوم دو عشریر،
سابق ۲۰ تومان، جز و اضافه دستور العمل ۲۰ تومان، (تممه) از
قرار قبض ۳۲ تومان

اسدالله خان ۷ تومان (کسر) ۲ تومان و ۴ قران رسوم دو عشر، رسوم (تتمه) از قرار قبض ۵ تومان و ۶ قران	آقا حسین ولد آقا نصر الله مستوفی ۳۵ تومان (کسر) ۷ تومان دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۲۸ تومان
آقا سید محمد حسین ۲۰۰ تومان (کسر) ۴۰ تومان رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۶۰ تومان	ورثه محمد خان ۱۰ تومان، (کسر) ۳ تومان و ۸ قران، رسوم دو عشر، تتمه از قرار قبض ۱۱ تومان ۲ قران
آقا تقی (تقی) ۱۰ تومان (کسر) ۲ تومان، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۸ تومان	آقا فتاح ۲۴ تومان (کسر) ۴ تومان و ۸ قران رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۹ تومان ۲ قران
[مهر: مستوفی الممالک]	
عالیجاه اسدالله خان ۵۰ تومان (کسر) ۱۰ تومان رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۴۰ تومان	عالیجاه آقا سید علی مستحفظ ۲۰۰ تومان (کسر) ۴۰ تومان رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۶۰ تومان
اولاد مرحوم مولی اسماعیل خان ۳۳ تومان و ۳۴۰۰ دینار (کسر) ۶ تومان و ۶۶۸۰ دینار، (تتمه) از قرار قبض ۲۶ تومان و ۶۷۲۰ دینار	اولاد مرحوم شیخ احمد خان ۲۰۰ تومان (کسر) ۴۰ تومان، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۶۰ تومان
ورثه میرزا عبدالوهاب خان ۸۰ تومان (کسر) ۱۶ تومان، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۶۴ تومان	عالیجاه میرزا سید حسین خان ۱۰۰ تومان (کسر) ۲۰ تومان، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۸۰ تومان

عمارت :

ولایت از بابت شوستر و ذفول ۲۲۶۶ تومان و ۲ قران - [تقدینه] ۱۲۲۳ تومان و ۴ قران

بنی اعمام [مسجان] ۲۴۵ (کسر) ۴۹ تومان و ۱۲۰۰ دینار رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۹۶ تومان و ۴۸۰۰ دینار	اولاد میرزا سلطان علی خان ۲۴۲ تومان و ۴ قران (کسر) ۴۸ تومان و ۴۸۰۰ دینار، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۹۳ تومان و ۹۲۰۰ دینار.
اولاد مرحوم حاجی محمد زمان ۱۲۵ تومان (کسر) ۲۵ تومان رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۰۰ تومان	اولاد مرحوم حاجی عزیز الله خان ۲۲۰ تومان (کسر) ۴۴ تومان، رسوم دو عشر، تتمه از قرار قبض ۱۷۶ تومان
[مهر: مستوفی الممالک]	
ورثه آقا محمد شفیع ۱۰۰ تومان (کسر) ۲۰ تومان رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۸۰ تومان	ورثه میرزا محسن خان ۱۲۳ تومان و ۵ قران، (کسر) ۲۴ تومان و ۷ قران، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۹۷ تومان و ۸ قران
میرزا احمد بنواده میرزا ابوظالب ۳۴ تومان و ۲۵۰۰ دینار (کسر) ۶ تومان و ۸۵۰۰ دینار، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۲۷ تومان و ۴ قران	ورثه آقا محمد رضا ۵۰ تومان (کسر) ۱۰ تومان، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۴۰ تومان
میرزا محمد حسین ولد له مسجان ۱۷ تومان (کسر) ۳ تومان و ۴ قران رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۳ تومان و ۶ قران	میرزا محمود ولد میرزا ابوظالب ۲۲ تومان و ۵ قران (کسر) ۲ تومان و ۵ قران رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۸ تومان
میرزا رضا علی ۶۲ تومان و ۵ قران (کسر) ۱۲ تومان و ۵ قران	ورثه میرزا احسان باباخان ۶۷ تومان (کسر) ۱۳ تومان و ۴ قران،

میرزا عبدالله خان ۱۳ تومان و ۳۳۳۳ دینار (کسر) ۲۶ تومان و ۶۶۶۶ ورته آقا حسن ۲۶ تومان (کسر) ۵ تومان و ۳۳۳۳ دینار، رسوم دینار و رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۲۶ تومان و ۶۶۶۶ دینار

استغنی الممالک

بازخوانی سفیدی دیگر از ظل السلطان (حکمی است درباره سرپرستی سواره نظام لرستان)

«هو الله تعالی شاهان العزیز»

اسم صحت مهر ظل السلطان

تاریخ شهر صفر المظفر مطابق سال فرخنده فال آیت نبل سعادت تحویل مرقوم می شود از قولی که امیرالامراء العظام چاکر صدافت آگاه و امین بلد اشیاء مظفر الملک به عرض حضور والا رسانید سرپرستی سواره جدید لرستانی را به عهده عالیجاه میرزا عزیزخان تقویض نموده کمال مراقبت و لازمه مواظبت از مشارالیه در انتظام امور سواره به عمل آمده که فدوی دولتخواه مظفر الملک نهایت رضایت از طرز نیکو رفتاری و وسوسه دوستکاری مشارالیه حاصل نموده ایست تا نیز پر ذمت همت والا لازم شکر کسب که بر حسب استدعای مظفر الملک مختص تشویق و تحریص همزنگه لرستان و لرستان کلید خدمتگزاران برتاقب و در درختکوبی مواظب است در تنقیح او مرجمتی خاص مذکور و مکرمتی فزون از قیاس مشغول فرماییم لهذا استدعای فدوی دولتخواه مظفر الملک را مقرون اصلاح و قرین انجام دانسته مقرب الحضرت والا امیرزاسید عزیزخان را از این تاریخ و بعدا در منصب جلیل و درجه نیل سرکردگی سواره جدید لرستانی معزز و بهجت فرموده و مبلغ یکصد تومان موجب که همه ساله در حق سرکردگی این سوار برقرار است. به مشارالیه مرجمت فرمودیم که از حضور این محترم انتظار داریم این عاقبت و فرحمت بیشتر از پیشتر در کسب خدمت اقدام و اهتمام به عمل بیاورد تا از حسن خدمتگزاری و از فرط درستکاری روز به روز بر مدارج اعتبار کفایت نموده مورد مراحم کامله و مستوجب مکارم شامله خاطر عاظر والا بوده باشد مقرر آنکه جناب جلالت مآب امیرالامراء العظام نور چشم والا مقام صلوات الدوایه ابو الفتح میرزا محمد ظل السلطان حفظ الله تعالی به عموم آحاد و افراد سواره جدید لرستانی قدغن نیندازد و مشارالیه را به شرافت صدور این حکم متحکم نظامی سرکوبه بلا استثناء و با هر چه از سب و صلاح مشارالیه در تحت نظر کرده در عهده شناسند.

فی شهر فوق سنه ۱۳۰۴ (۱۳۰۴) در روز ...

چیز نوشتها

۱- اصله (لرستان) و منظور از بخاری، مناطق بخاری نشین خوزستان است که سبکه آن را ایلات و طوایف مختلف بخاری تشکیل می دهد. مانند ابده و بابهان و شوشتر و ... افزون بر آن تمام منطقه چهارمحاله قسمتی از اصفهان و فارس و همچنین به کلبه مناطقی که پیش از آن بخاری بود و سیلاخور در سیر راه اصفهان قرار داشتند. بخاری می گفته اند. ۲- اراجیح به اوشیو سارجان امپاد ملی و سایر مراکز آرشویی مشخص خواهد شد که بخاری از ابتدای دوره باخط سبک نگاشته شده است. بدین منظور در ک آرشو بی نام آکد پیونات (۱۷۹۵) کد سوزان (۱۷۹۵) کد ماله (۱۷۹۵) ۳- ک: فریدون افسر امیر کبیر و ایران (تخص ماله و خرمه) هر آن، شرکت بهای انستارایت خوارزمی، ص ۱۶۵، ۲۸۵. ۴- مهدی نامده، شرح حال رجال ایران تهراندوزار، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۸. ۵- امیر نظام (مظهور حیرانقی خان فراهانی فرزند مهدی قربان هزاره لب، معروف به امیر کبیر است. سایر القاب: مستوفی نظام، وزیر نظام، اتابک اعظم) ۶- تبیجه: اسم مصفر: جمعی را گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند. جمعی را گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند. جمعی را گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند. جمعی را گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند. جمعی را گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند.

۱- گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند و از رفتاری است جداگانه که آن را دفتر خارج املاک و کلمات معنی که در لغت است که در بیان بر اصناف حرفت و املاک می بندند. لغت معنی اصناف حرفت و املاک می بندند. از دید مالیاتی و دستمجمعی یک ده و امثال آن (تو هنگ کار می یعنی ج اول). ۲- امیر کبیر (اسم مرکب از بهلو ک: فارس و ایرانی) کدخدای بلوک. سرپرست بلوک (اسم مرکب از بهلو ک: فارس و ایرانی) کدخدای بلوک. ظاهر این کلمه جو مناسب معنی طبقه و دستمجمعی است که کلمه بلوک دارد یا یکسماق که برای ایفای دست چنگ در باغچه کجا کرد شهر قزوین، و تعیین امیر بخاریان ک بلوک باطن و مهران و غیره جمله بخاری، موقوف به تصدیق و تحقیق علیالوجه است. امیر کبیر (اسم مرکب از بهلو ک: فارس و ایرانی) کدخدای بلوک. ظاهر این کلمه جو مناسب معنی طبقه و دستمجمعی است که کلمه بلوک دارد یا یکسماق که برای ایفای دست چنگ در باغچه کجا کرد شهر قزوین، و تعیین امیر بخاریان ک بلوک باطن و مهران و غیره جمله بخاری، موقوف به تصدیق و تحقیق علیالوجه است. ۳- ک: عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من با تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، زر، چاپ دوم، ۱۳۱۳، ج اول، ص ۲۰۳. ۴- تا آن جا که آگاهی داریم ناصرالدین شاه از قزوین و بعد از نابان سلطنت ۵۰ ساله اش

نه قسم مهر با سنج های مختلف داشته است، که هر کدام نوع کاربردشان با یکدیگر فرق داشته است. از جمله همین بهیرو که در مقاله سوید برسی و معرفی قرار گرفته مخصوص قاپچاق و احکام مهم بوده است. از جمله مهر های دیگر ناصرالدین شاه سنج مهری است باین مضمون «السلطان بن الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار» و این مهر مخصوص پشت پاکت آمده است (ک. ج. چاپخانه قاپچاق، مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۳۹۶، ۳۹۸، ۱۰ میرزیوسف خان در سن ۱۶ سالگی در گذشت و در باغ خود در ونک مدفون شد. ک. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج دوم، ص ۴۶۲، ۱۱ محمدحسن اعتمادالسلطنه، صدرالتواریخ، تصحیح، محمد مشیری، تهران، روزبهان، صص ۲۸۲ و ۲۸۳.

۱۲. ک. مهدی فرهنگی، منقده، «میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی...» مجله گنجینه اسناد، شماره ۲۲ و ۲۳، ص ۷۹.

۱۳. خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، تهران، بابک، قسمت اول، ص ۱۵۱.

۱۴. تصویر این اسناد را دوست و همکار ارجمند جناب آقای داوود امینی در اختیار این جانب قرار دادند. ایشان نیز تصویر اسناد و کتابچه مزبور را از محقق و استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر جابر عناصری که از اسناد شخصی، و در اختیار ایشان بوده دریافت داشته اند. با سبب از هر دوی این عزیزان که اساس و پایه تنظیم این مقاله را به عهده این جانب گذاردند.

۱۵. ک. به من بازخوانی شده همین کتابچه (ص ۲، بند سوم).

۱۶. ک. محمدرضا والیزاده معجزی، تاریخ لرستان روزگار قاجار از ناهسیس تا کودتای ۱۲۹۹، تهران، حروقیه، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹ و ۱۲۰ و نیز ک. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸، ج دوم، ص ۳۳۶.

۱۷. پسران ناصرالدین شاه عبارت بودند از: ارشد آنان از کتب خطی بود که اولین روز شاه در دوران ولیعهدی بود ولیعهد خوانده شد و در کودکی در گذشت پس از او شاهزاده ولیعهد محمدقاسم میرزا و برادرش فرزندان جیزان ملقب به فروغ السلطنه به ترتیب ولیعهد شدند و یکی پس از دیگری در گذشتند. بالاخره شاهزاده سلطان معین الدین میرزا که از خجسته خانم تاج الدوله نخستین زن شاه پس از جلوس بود به ولیعهدی رسید ولی او نیز مانند سه برادر دیگر نایب هنگام تولد از جهان فرویست. می گفتند مهدعلی مادر شاه از شدت علاقه به فرزند خویش نمی توانست جانسین آینده او را ببیند و هنگامی که ولیعهد بیمار می شد به دستور مجرمانه او طبیب زهر در دروی کودک بیگانه می کرد و او را مسموم می ساخت. ناصرالدین شاه پسری هم داشت ملقب به جلال الدوله که زمانی کوتاه حکمران خراسان شد و در اوایل جوانی از دست رفت. شاهزاده مظفرالدین میرزا ولیعهد پنجم از بزرگان مصون ماند و شاه شد. شاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه اولین جنگ آتشخیز پسر ناصرالدین شاه از شیر السلطنه و بسیار مورد توجه و علاقه پدر بود. ک. دوستعلی خان میرالممالک، رجال عصر ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، ص ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۵۱۰.

۱۸. مسعود میرزا ظل السلطان، خاطرات ظل السلطان، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸، ج اول، ص ۱۹.

۱۹. جرحان، کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحیدماریدانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، ج اول، ص ۵۲۵.

۲۰. مسعود میرزا ظل السلطان، خاطرات ظل السلطان، همان، ص ۵۲۶ و ۵۲۷.

۲۱. ک. حسین سعادت نوری، ظل السلطان، تهران، وحید، ۱۳۳۷، ص ۲۲.

۲۲. کریم سلیمانی، القاب رجال دوره قاجار، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۶.

۲۳. از وقایع مهم این دوره این بود زمانی که ظل السلطان حاکم اصفهان شد بخش عظیمی از بناهای قدیمی اصفهان را در دستور داد تخریب کنند. منظور او از تخریب آن بود که هیچ گاه نظر ناصرالدین شاه به اصفهان جلب نشود (ک. محمدتقی لسان الملک سپهر، ناسخ التواریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کایقماق، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ص ۱۵۱۴).

۲۴. مهدی نامداد، شرح حال رجال ایران، همان، صص ۸۲ و ۸۳.

۲۵. واقعه اعدام و یا به قولی سربردن میرزا طوایف از آن جا آغاز شد که طوایف بیرون رود و سگوند، انتشار خبر مرگ شاه را بهانه قرار دادند و طوایف را در ظل السلطان شورش کردند و اردوی او را در محاصره خود گرفتند، اما پس از تکذیب این خبر و وقوع یک جنگ شدید سران شورشیان دستگیر گردیدند. از طایفه سگوند مرادخان، خان جان خان، صفر خان و از طایفه بیرونو، اسدخان و از حسونداها، عجم خان به دار آویخته شدند و حاجی عالیخان رئیس طایفه سگوند که پیرمردی حدود ۱۰۰ ساله بوده زندان افکنده شد. شدت عمل وی موجب طغیانهای

بی در پی گردید و مردم از کار گرانان او وحشت فراوان داشتند. (ک. علی محمد ساکی، جغرافیای تاریخی لرستان، خرم آباد، کتابفروشی محمدی، ۱۳۴۲، ص ۳۳۷، ۳۳۸، ک. خاطرات احتشام السلطنه، «میرزا محمودخان» به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، تهران، زوار، ۱۳۶۶، صص ۲۲۱، ۲۲۲.

۲۷. ک. به بازخوانی سند پیاپی همین مقاله (سندی است مربوط به حکم سواره نظام جدید لرستان) این سند بوسیله دوست ارجمند جناب آقای سید عبدالله ستوده در اختیار این جانب قرار گرفت. (با سبب از ایشان).

۲۸. ک. حاج مهدی قلی خان مجیر السلطنه، گزارش ایران قاجاریه و مشروطیت، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۳، جلد سوم و چهارم، ص ۱۲۵.

۲۹. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه و فهارس از ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶، ص ۵۴۴.

۳۰. ک. «عبدالحسین خان سپهر، یادداشتهای ملک المورخین، با تصحیح...» عبدالحمین نوایی، تهران، زوین، ۱۳۶۸، ص ۶۹.

۳۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ص ۲۲۸، ۲۲۷.

۳۲. میرزا محمدعلی خان فریدالملک همدانی، خاطرات فرید، گردآورنده: مسعود فرید (فرگرتولو)، تهران، زوار، ۱۳۵۴، ص ۲۵۷.

۳۳. محمدعلی سفوی، مشروطه ساران، تهران، نشر علم، ۱۳۷۰، ص ۲۹۶.

۳۴. مهدی نامداد، شرح رجال ایران، همان، ج ۲، ص ۵۲.

۳۵. احمد کسروی، تاریخ هجده ساله آذربایجان بازمانده تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۶۳.

۳۶. پدر سردار اسعد حسینی خان ایلخانی بختیاری بود که در سال ۱۲۹۹ ق. به دستور ظل السلطان به قتل رسید و بعد شهرت انداختند که ایلخانی سگنه کرده. آنگاه چنانچه او را با جلال و احترام در تخت فولاد در تکیه میزدن کردند (ک. محمدرضا والیزاده معجزی، تاریخ لرستان، ص ۱۲۵ و نیز وحیدرضا الوند، ماجرای قتل سردار اسعد بختیاری، صص ۱۳ و ۱۴).

۳۷. ک. ایرج افشار، «تاریخ زاده و ظل السلطان» قسمت اول، مجله یغما، شماره هفتم، سال سی ام، مهرماه، ۱۳۵۶، ص ۴۰۰.

۳۸. چهل سال تاریخ ایران، ج دوم، تعلیقات حسین مجبوری اردکانی بر المآثر والآثار، به کوشش ایرج افشار، ص ۲۳۶.

۳۹. ناصر غفاری، روزهای تاریخ ایران، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹، ص ۳۷۴.

۴۰. فرزندان ظل السلطان متعدد بوده اند و پسرهای او عبارت بودند از: اکبر میرزا صرام الدوله، محمود میرزای بعین السلطنه، همانون میرزا امیرالرفیع، اسماعیل میرزا معتمد الدوله، اردشیر میرزا و غلامحسین میرزا جلال الدوله، فیروز میرزا، تیمور میرزا و بی محمد حسین میرزا.

۴۱. برای برداشت این مطلب از ک. خسرو معصود، ظل السلطان از فراموشخانه تا گنجینه خسروی، تهران، نشر البرز، ۱۳۸۰، ص ۶۰۴.

۴۲. ک. محمود ظاهر احمدی، ظل السلطان (از گردیده تلگرافهای خط اصفهان ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ ق.) مجله گنجینه اسناد، سال اول، دفتر سوم و چهارم، ۱۳۷۰، ص ۸۶.

۴۳. ک. «اسناد بیواتات» (مخبرات دولتی خط فارس)، (خطی)، ص ۴۳، تلگراف نمرة ۱۲.

۴۴. همان، ص ۱۵۲، ت ۷۰.

۴۵. ک. محمدرضا والیزاده معجزی، همان، ص ۱۲۷.

۴۶. همان منبع پیشین، ص ۱۶۵.

۴۷. همان، ص ۱۲۷.

۴۸. احتمالاً علاء الدوله میرزا احمد خان، فرزند محمد رحیم خان قاجار است که از اعظام و اعیان ایران در دربار ناصرالدین شاه بود و مدت زیادی حاکم شیراز و استرآباد، کرمانشاه و سایر بلاد ایران بوده است.

۴۹. برای اطلاع بیشتر ک. محمود فرهاد معتمد، سپهسالار اعظم، تهران، ۱۳۲۵، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۵۰. ک. مسعود میرزا ظل السلطان، تاریخ سرگذشت مسعودی، تهران، دنیای کتاب، چاپ سنگی (فست)، ۱۳۶۲، ص ۳۳۳.



شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

س

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری

در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری
در شهر مطهر سلطان و حسن انصاری



